



Financial Leverage and Ownership Structure in Financially Distressed Companies;  
Considering Cash and Accrual Tax Avoidance Approaches

Mohsen Hamidian <sup>1</sup>

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
m.hamidian1348@iau.ac.ir

Abstract

The present study analyzed the relationship between financial leverage and ownership structure in financially distressed companies; with respect to the cash and accrual tax avoidance approach. For this purpose; information on 64 companies listed on the Tehran Stock Exchange for a ten-year period (from the beginning of 2015 to the end of 2024), extraction, calculation of research variables, and necessary statistical tests were performed. The present research method is descriptive-correlational and its design is experimental and uses a ex-post facto approach. In order to test the research hypotheses, multivariate linear regression was used. The research findings indicated that in financially distressed companies; there is a negative and significant relationship between ownership structure and financial leverage, cash tax avoidance has no effect on the relationship between ownership structure and financial leverage, and accrual tax avoidance has an effect on the relationship between ownership structure and financial leverage.

**Keywords:** Financial leverage, Ownership structure, Cash tax avoidance, Accrual tax avoidance, Financial distress.

Volume info

Vol. 7  
Spring 2026  
P.P: 63-86

Article Type

Research Paper

Article History

Received:  
2025-07-06  
Revised:  
2025-11-15  
Accepted:  
2026-06-10  
Published:  
2026-06-10

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2717-1809  
E-ISSN: 2717-199X



**Cite this article:** Hamidian, Mohsen. (1405). Financial leverage and ownership structure in financially distressed companies; with regard to the cash and accrual tax avoidance approach. Strategic Research in Budget and Finance, 7(1), 62-86.  
**DOR:** 20.1001.1.31157947.1404.17.4.1.4



**Publisher:** Imam Hossein University.

© The Author(s).



## اهرم مالی و ساختار مالکیت در شرکت‌های درمانده مالی؛ با توجه به رویکرد اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی

محسن حمیدیان<sup>۱</sup>

m.hamidian1348@iau.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

اجتناب مالیاتی فرایندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات به درآمد سازمان‌های مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این رو طبیعی است این انگیزه وجود داشته باشد تا شرکت و سهامداران آن اقداماتی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند. همچنین زمانی که شرکت‌ها تحت درماندگی مالی قرار می‌گیرند مزایای اجتناب مالیاتی نسبت به هزینه‌های آن موجب افزایش این انگیزه می‌شود. اجتناب از مالیات، از خلأهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت گرفته و افراد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردند. بر این اساس مطالعه حاضر به تحلیل ارتباط اهرم مالی و ساختار مالکیت در شرکت‌های درمانده مالی؛ با توجه به رویکرد اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی پرداخته است. بدین منظور؛ به روش غربالگری اطلاعات ۶۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ده‌ساله (از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۴۰۲)، استخراج، متغیرهای پژوهش محاسبه و آزمون‌های آماری لازم صورت گرفت. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و طرح آن از نوع تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی است و به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی، مدل با اثرات و نیز استفاده از نرم‌افزار ایویوز؛ حاکی از آن داشت که در شرکت‌های درمانده مالی؛ میان ساختار مالکیت و اهرم مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اجتناب مالیاتی نقدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر نداشته و اجتناب مالیاتی تعهدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: اهرم مالی، ساختار مالکیت، اجتناب مالیاتی نقدی، اجتناب مالیاتی تعهدی، درماندگی مالی

سال و شماره

سال ۷  
بهار ۱۴۰۵  
صص: ۸۶-۶۳

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۰۹-۲۷۱۷

الکترونیکی: X ۱۹۹-۲۷۱۷



**استناد:** حمیدیان، محسن. (۱۴۰۵). اهرم مالی و ساختار مالکیت در شرکت‌های درمانده مالی؛ با توجه به رویکرد

اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۱(۷)، ۶۲-۸۶.

[DOR: 20.1001.1.31157947.1404.17.4.1.4](https://doi.org/10.1001.1.31157947.1404.17.4.1.4)

© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه امام حسین (ع).



OPEN ACCESS

## مقدمه

در دنیای واقعی که بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی در آن فعالیت می‌کنند، بهینه‌سازی منابع مالی و توجه به سررسید بدهی‌ها از مهم‌ترین مسائل آن‌هاست. بهینه‌سازی منابع مالی باعث حداکثر کردن بازدهی می‌شود. شرکت‌ها برای تأمین مالی تنها از یک منبع (سرمایه یا بدهی) استفاده نمی‌کنند؛ بلکه ترکیبی از آن‌ها را بکار می‌برند. نکته مهم این است که شرکت‌ها در جهت دستیابی به اهداف اصلی خود، باید کدام یک از منابع مالی را انتخاب کرده و چه میزان از آن منبع را در ترکیب سرمایه خود استفاده کنند. قطعاً شناسایی راه‌های مختلف تأمین مالی و بهره‌گیری از ابزارهای مناسب مالی، مدیریت را در اتخاذ تصمیمات صحیح‌تر و کسب منافع بیشتر برای شرکت‌ها یاری خواهد نمود و استفاده بهینه از منابع مالی به مدیران این فرصت را خواهد داد تا ارزش کلی شرکت و ثروت صاحبان سرمایه را افزایش دهند. مطالعه حاضر؛ استدلالی را مطرح و به صورت تجربی آزمایش می‌کند که بر مبنای آن اعتباردهندگان احتمالاً بدهی‌های با سررسید کوتاه‌تر را به شرکت‌های مالیات‌گریز می‌دهند تا بتوانند مرتباً ریسک مرتبط با مالیات را در قرارداد بدهی ارزشیابی مجدد نمایند (سکین، ۱، ۲۰۲۰). ما با استفاده از نرخ‌های مالیات مؤثر و مزایای مالیاتی نامطمئن به عنوان شاخصی برای مالیات‌گریزی درمی‌یابیم که شرکت‌های مالیات‌گریز نسبت بالاتری از بدهی کوتاه‌مدت را در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند. یافته‌های تجربی همچنین نشان می‌دهند که شرکت‌های با موقعیت‌های مالیاتی ناپایدار و دارای وابسته‌هایی در کشورهای مساعد از نظر شرایط مالیاتی با احتمال بیشتری بدهی با سررسید کوتاه می‌پذیرند. یافته‌های تجربی حاکی از آن است که فراوانی مذاکره‌های مجدد برای بدهی، مواجهه شرکت‌های مالیات‌گریز با شوک‌ها در تأمین اعتبار را افزایش می‌دهد و این در تقاضای بالاتر آن‌ها برای وجه نقد نقش دارد. یافته‌های گذشته حاکی از آن بود که شرکت‌های مالیات‌گریز قراردادهای بدهی خصوصی با شرایط و مفاد محدودکننده غیر مرتبط باقیمت به شکل شروط خاص و وثیقه دارند. اما شواهد تجربی محدودی در رابطه با اتکای اعتباردهندگان روی سایر شروط و مفاد غیر مرتبط باقیمت مثل سررسید بدهی وجود دارد که به طور معمول به عنوان یک ابزار نظارتی هم در قراردادهای عمومی و هم خصوصی به کار گرفته می‌شود (ژین و همکاران، ۲، ۲۰۲۲). اجتناب از

1 Çekin  
2 Jin et al

مالیات، از خلأهای قانونی در قانون مالیات ها نشایت می گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه های گریز می گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می دهد که از نرخ پایین تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چراکه او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می کند. در واقع، عوامل اقتصادی با استفاده از روزه های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند (گولسن و کارا، ۱۱، ۲۰۱۹). آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیت به ظاهر قانونی است، از این رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است. به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. این مقوله به بررسی و یافتن راه های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط می شود که مؤدیان به آن وسیله خود را به نحوی از افراد مشمول مالیات کنار می زنند. بنابراین اجتناب مالیاتی، قانونی و برای کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است، اما تقلب یا فرار مالیاتی، غیرقانونی و مبادرت عمدی به اعمال خلاف قانون مانند گزارش غیر واقعی درآمد و فروش، کسورات و تنظیم اظهارنامه ها است. نظام مالیاتی در شرایط آرمانی، باید قابلیت مقابله با هر دو نوع فرار مالیاتی را داشته باشد (ارقا و همکاران، ۲، ۲۰۱۹). از طرفی؛ در دنیای واقعی که بنگاه ها و شرکت های اقتصادی در آن فعالیت می کنند، بهینه سازی منابع مالی و توجه به سررسید بدهی ها از مهم ترین مسائل آن ها است. بهینه سازی منابع مالی باعث حداکثر کردن بازدهی می شود. شرکت ها برای تأمین مالی تنها از یک منبع (سرمایه یا بدهی) استفاده نمی کنند؛ بلکه ترکیبی از آن ها را بکار می برند. نکته مهم این است که شرکت ها در جهت دستیابی به اهداف اصلی خود، باید کدام یک از منابع مالی را انتخاب کرده و چه میزان از آن منبع را در ترکیب سرمایه خود استفاده کنند. قطعاً شناسایی راه های مختلف تأمین مالی و بهره گیری از ابزارهای مناسب مالی، مدیریت را در اتخاذ تصمیمات صحیح تر و کسب منافع بیشتر برای شرکت ها یاری خواهد نمود و استفاده بهینه از منابع مالی به مدیران این فرصت را خواهد داد تا ارزش کلی شرکت و ثروت صاحبان سرمایه را افزایش دهند. مطالعه حاضر؛ استدلالی را مطرح و به صورت تجربی آزمایش می کند که بر مبنای آن

1 Gülşen &amp; Kara

2 Eregha et al

اعتباردهندگان احتمالاً بدهی‌های با سررسید کوتاه‌تر را به شرکت‌های مالیات‌گریز می‌دهند تا بتوانند مرتباً ریسک مرتبط با مالیات را در قرارداد بدهی ارزشیابی مجدد نمایند (سکین، ۱، ۲۰۲۰). ما با استفاده از نرخ‌های مالیات مؤثر و مزایای مالیاتی نامطمئن به‌عنوان شاخصی برای مالیات‌گریزی درمی‌یابیم که شرکت‌های مالیات‌گریز نسبت بالاتری از بدهی کوتاه‌مدت را در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند. یافته‌های تجربی همچنین نشان می‌دهند که شرکت‌های با موقعیت‌های مالیاتی ناپایدار و دارای وابسته‌هایی در کشورهای مساعد از نظر شرایط مالیاتی با احتمال بیشتری بدهی با سررسید کوتاه می‌پذیرند. یافته‌های تجربی حاکی از آن بود که فراوانی مذاکره‌های مجدد برای بدهی، مواجهه شرکت‌های مالیات‌گریز با شوک‌ها در تأمین اعتبار را افزایش می‌دهد و این در تقاضای بالاتر آن‌ها برای وجه نقد نقش دارد. یافته‌های گذشته حاکی از آن بود که شرکت‌های مالیات‌گریز قراردادهای بدهی خصوصی با شرایط و مفاد محدودکننده غیر مرتبط باقیمت به شکل شروط خاص و وثیقه دارند. اما شواهد تجربی محدودی در رابطه با اتکای اعتباردهندگان روی سایر شروط و مفاد غیر مرتبط باقیمت مثل سررسید بدهی وجود دارد که به‌طور معمول به‌عنوان یک ابزار نظارتی هم در قراردادهای عمومی و هم خصوصی به کار گرفته می‌شود (کمرالدین و همکاران، ۲۰۲۴). بر این اساس هدف پژوهش حاضر، به‌صورت تحلیل ارتباط اهرم مالی و ساختار مالکیت در شرکت‌های درمانده مالی؛ با توجه به رویکرد اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی تعریف می‌گردد.

#### مبانی نظری پژوهش

به نظر می‌رسد بحث اجتناب مالیاتی، بیشتر در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک‌گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (ژین و همکاران، ۲۰۲۲)، ولی در سایر شرکت‌ها، به‌طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن

است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. بنابراین، یکی از چالش های پیش روی سهامداران و هیئت مدیره، یافتن روش ها و انگیزه های کنترلی است تا هزینه های نمایندگی را به حداقل برسانند (سکین، ۲۰۲۰). لاخل و همکاران (۲۰۰۷) نیز معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند، ساختار شرکت را پیچیده تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می شود، انجام می دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می گیرند. آن ها معتقدند که وجود مأموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوءاستفاده از منابع داخلی شرکت ها می شود. نکته دیگری که توسط آنان مطرح شد این است که نحوه حاکمیت و رهبری شرکت ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها تأثیرگذار است. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می شود. کمرالدین و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) معتقد هستند که اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می دهد و ممکن است بر روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، اگر اجتناب مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده شود، شرکت مجبور به پرداخت های اضافی و جریمه می شود که باعث کاهش جریان های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می شود (کمرالدین و همکاران، ۲۰۲۴). باید دانست که نقش مالیات، نحوه محاسبه درآمد مشمول مالیات، چگونگی محاسبه مالیات و تعیین درآمد خالص پس از کسر مالیات از دغدغه های مدیران در شرکت های بزرگ می باشد که این مهم می تواند نقش مهمی در تصمیم گیری های متفاوتی به منظور سرمایه گذاری های بعدی شرکت و اتخاذ تصمیمات اقتصادی و حتی استراتژیک را برای سازمان ایفا نماید، این تصمیمات بر مبنای حدود اطلاعات درباره رفتار متغیرهای مالی است. رفتار متغیرهای مالی و اقتصادی در شرایط اطمینان و عدم اطمینان و ریسک انواع مختلفی از تصمیم گیری ها را طلب می کند (بارنت و همکاران، ۲۰۲۰). از طرفی؛ برای سرمایه گذاران، بستانکاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده کنندگان تفکیک بدهی ها به دو بخش جاری و غیر جاری اهمیت زیادی دارد. زیرا آن ها برای تجزیه و تحلیل و مقایسه عملکرد شرکت از ثبت های جاری و مفهوم سرمایه در گردش و پیش بینی جریان نقدی آتی در مدل های سرمایه گذاری استفاده می کنند. علت بااهمیت بودن بدهی های بلندمدت از این جهت است که

1 Kamarudin et al

نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام با ریسک سرمایه‌گذاری در سهام شرکت رابطه‌ای مستقیم دارد. بالا بودن این نسبت به معنی پر ریسک بودن سرمایه‌گذاری در سهام است. حسابداران به دنبال معیارهایی هستند تا بتوانند به شیوه‌ای مناسب بدهی‌ها را در دو گروه کوتاه‌مدت و بلندمدت قرار دهند و همچنین تصمیم‌گیرندگان نیز بتوانند توانایی شرکت را در تأمین نیازهای جاری و میزان ریسک موجود در پیش‌بینی جریان نقدی آتی را برآورد کنند (بیلی و ملیندا، ۲۰۲۲). حال تحلیل اهرم مالی و ساختار مالکیت در شرکت‌های درمانده مالی؛ با توجه به رویکرد اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی اهمیت و ضرورت خود را نشان می‌دهد. از این رو و بر اساس این مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش حاضر را می‌توان به شرح زیر تبیین نمود:

در شرکت‌های درمانده مالی؛ میان ساختار مالکیت و اهرم مالی رابطه وجود دارد.

در شرکت‌های درمانده مالی؛ اجتناب مالیاتی نقدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر

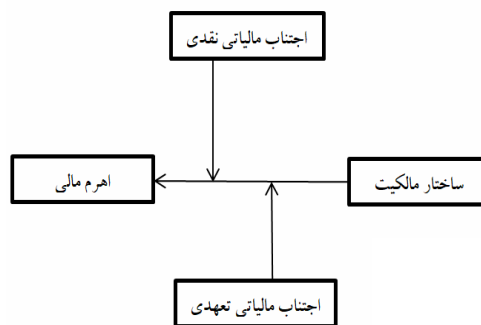
دارد.

در شرکت‌های درمانده مالی؛ اجتناب مالیاتی تعهدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی

تأثیر دارد.

با توجه به فرضیه‌های مذکور می‌توان مدل مفهومی را به شرح زیر تبیین نمود.

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



## پیشینه پژوهش

### پیشینه داخلی

افلاطونی و همکاران (۱۴۰۴) به بررسی تأثیر اهرم عملیاتی برآوردی و اهرم عملیاتی قراردادی بر حق الزحمه حسابرسی: با تأکید بر نقش تعدیل کنندگی مالکیت نهادی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه مستقیم اهرم مالی و رابطه معکوس اهرم عملیاتی (متأثر از اهرم عملیاتی قراردادی) با حق الزحمه حسابرسی بود. به علاوه، مالکیت نهادی اثر اهرم مالی بر حق الزحمه حسابرسی را کاهش می دهد و موجب افزایش اثرات اهرم عملیاتی بر حق الزحمه حسابرسی می شود. اگرچه، نقش تعدیل کنندگی مالکیت نهادی بر رابطه بین اهرم عملیاتی قراردادی و برآوردی با حق الزحمه حسابرسی رد می شود. یافته ها در مجموع بیانگر نقش متفاوت اهرم های مالی و عملیاتی در تبیین حق الزحمه حسابرسی بود.

باشکوه اجیرلو و همکاران (۱۴۰۴) به ارائه الگوی رتبه بندی اعتباری شرکت های پذیرفته شده در بازار سرمایه با استفاده از مدل معادلات ساختاری پرداختند. تأثیرگذاری ۱۲ مؤلفه روی رتبه اعتباری نشان داد که شرکت های پذیرفته شده در بازار سرمایه برای بهبود وضعیت اعتباری خود، می بایست به همه عوامل از جمله وضعیت نقدینگی، ساختار سرمایه شرکت و سودآوری و رشد توجهات لازم را داشته باشند تا بتوانند به سهولت به منابع مالی مورد نیاز دسترسی داشته باشند. پاک دلان و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و احتمال درماندگی مالی شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر این موضوع است که ابعاد مختلف اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری بر ورشکستگی دارند. اولین مؤلفه بررسی شده در زمینه اجتناب مالیاتی یعنی نرخ مؤثر مالیاتی دارای رابطه معنادار با ورشکستگی می باشد. مؤلفه دوم، یعنی تفاوت میزان مالیاتی دارای رابطه معنادار با ورشکستگی است. در نهایت مشخص شد تفاوت سود مالیاتی دارای رابطه معنادار با ورشکستگی می باشد.

ایران فر (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی و سرعت اصلاح ساختار سرمایه بر نوسان بازده ناشی از توزیع اطلاعات پرداخت. وی بیان نمود امروزه، موضوع اساسی برای سهامداران و سرمایه گذاران، اجتناب از مالیات شرکت ها و اصلاح ساختار سرمایه می باشد. هدف از این

پژوهش، بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی و سرعت اصلاح ساختار سرمایه بر نوسان بازده ناشی از توزیع اطلاعات می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که اجتناب مالیاتی تأثیر معکوس و معناداری بر نوسان بازده ناشی از توزیع اطلاعات دارد. علاوه بر این، اصلاح ساختار سرمایه، تأثیر مستقیم و معناداری بر نوسان بازده ناشی از توزیع اطلاعات دارد.

سعیدی گراغانی (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج نشان داد تأثیر اجتناب مالیاتی بر ساختار سرمایه مثبت و معنادار است.

قادری مصلائی (۱۴۰۰) به بررسی نقش تعدیل‌کننده مالکیت نهادی شرکت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و اجتناب مالیاتی پرداخت. وی بیان نمود شرکت‌ها برای رهایی از مالیات، روش‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند و بدین منظور به روش‌های گوناگون سعی در کاهش سود قبل از کسر مالیات به منظور کاهش مالیات پرداختی دارند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین مدیریت سود واقعی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مدیریت سود واقعی باعث افزایش اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌شود. همچنین می‌توان گفت مالکیت نهادی تأثیری بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و اجتناب مالیاتی ندارد.

محمدی شاکری (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر تخصص هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی بر نسبت بدهی شرکت‌ها پرداخت. وی بیان نمود تصمیم‌گیری در مورد ساختار سرمایه و نسبت بدهی شرکت‌ها، یکی از چالش‌برانگیزترین و مشکل‌ترین مسائل پیش روی شرکت و حیاتی‌ترین تصمیم در مورد ادامه بقای آن‌ها است. نتایج نشان داد که اجتناب مالیاتی تأثیر منفی بر نسبت بدهی شرکت‌ها دارد. علاوه بر این مشخص شد که تخصص مالی هیئت‌مدیره، ارتباط منفی بین اجتناب مالیاتی و نسبت بدهی شرکت‌ها را تشدید می‌کند.

دلشاد و محقر (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر ریسک ریزش قیمت سهام؛ با تأکید بر روش‌های داده کاوی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که براساس شبکه‌های عصبی صرفاً کوتاه‌بینی و ثبات مدیریت تأثیری معنادار بر ریزش قیمت سهام داشته‌اند و بیشترین تأثیرگذاری بر ریزش قیمت سهام براساس معیار چولگی منفی سهام مربوط به متغیرهای اهرم مالی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و رقابت در بازار محصولات بوده و بر مبنای معیار نوسان بازده

سهام مربوط به اهرم مالی، نرخ بازده داراییها و ریسک بازده سهام است. براساس چولگی منفی سهام؛ متغیرهای ریسک بازده سهام، کوتاه‌بینی مدیریت و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارای بیشترین تأثیرگذاری بوده و براساس معیار نوسان بازده سهام؛ متغیرهای ریسک بازده سهام، نرخ بازده دارایی‌ها و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. مسعودیان (۱۳۹۹) به بررسی رابطه بین قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای با اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیل‌گر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. وی بیان نمود تعریف اجتناب مالیاتی یکی از نگرانی‌های ادبیات مالی و حسابداری بوده است. معیارهای موجود برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی پاسخگوی تمام نیازهای اطلاعاتی نمی‌باشد. بااین حال در یک تعریف نسبت جامع، اجتناب مالیاتی به‌عنوان مجموعه اقدامات و فعالیت‌های شرکت جهت کاهش پرداخت مالیات تعریف می‌شود.

#### پیشینه خارجی

باتواه و همکاران (۲۰۲۵) به بررسی تأثیر تخصص رئیس کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در بازارهای نوظهور با رویکرد ساختار مالکیت پرداختند. یافته‌ها بیان داشت ساختار یافته‌ها نشان می‌دهد که روسای کمیته حسابرسی با تخصص حسابداری، تأثیر مستقیم ناچیزی بر اجتناب مالیاتی دارند. بااین حال، ساختار مالکیت به‌طور قابل توجهی این رابطه را تعدیل می‌کند. به‌طور خاص، یک رئیس کمیته حسابرسی با تخصص حسابداری، مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد که این امر اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، این مطالعه نشان می‌دهد که ساختار مالکیت و ماهیت شرکت (خانوادگی در مقابل غیر خانوادگی) بر میزان مهار اجتناب مالیاتی و شیوه‌های مدیریت سود تأثیر می‌گذارد.

کمرالدین و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی رابطه ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی پرداختند. اما رابطه معناداری میان متغیرهای مذکور یافت نشد. همچنین نتایج نشان داد در واحدهای تجاری که گزارشگری سود بیشتری دارند، اجتناب مالیاتی ضعیف‌تری دیده می‌شود. بیلی و ملیندا (۲۰۲۲) به تحلیل ارتباط میان اهرم مالی و ساختار مالکیت با تمرکز بر نقش تعدیل‌کنندگی اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی پرداختند. آنان نتیجه گرفتند میان ساختار مالکیت و اهرم مالی رابطه وجود دارد،

اجتناب مالیاتی نقدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر دارد و اجتناب مالیاتی تعهدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر دارد.

ژین و همکاران (۲۰۲۲) به تحلیل ارتباط میان ساختار تسهیلات مالی و ساختار سرمایه با تمرکز بر نقش تعدیل‌کنندگی اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی پرداختند. آنان دریافتند ارتباط معناداری میان ساختار تسهیلات مالی و ساختار سرمایه وجود دارد، اجتناب مالیاتی نقدی تأثیر معناداری بر ارتباط میان ساختار تسهیلات مالی و ساختار سرمایه دارد و اجتناب مالیاتی تعهدی تأثیر معناداری بر ارتباط میان ساختار تسهیلات مالی و ساختار سرمایه دارد.

بارنت و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی پرداختند. اما رابطه معناداری میان متغیرهای مذکور یافت نشد. همچنین آنان دریافتند که هر چه میزان نرخ سرمایه‌گذاری‌های خارجی افزایش یابد، اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر، بین نرخ سرمایه‌گذاری‌های خارجی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سکین (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر کیفیت ساختار سرمایه و حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. آنان دریافتند در واحدهای تجاری که دارای سطح بالای کیفیت حاکمیت شرکتی هستند، دارای اجتناب مالیاتی کمتری هستند. به عبارت دیگر، با افزایش ساختار سرمایه، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد.

گولسن و کارا (۲۰۱۹) به بررسی رابطه میان ساختار سرمایه‌گذاری‌های خارجی و اجتناب مالیاتی پرداختند. آنان دریافتند که هر چه میزان نرخ سرمایه‌گذاری‌های خارجی افزایش یابد، اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر، بین نرخ سرمایه‌گذاری‌های خارجی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ارقا و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی و سررسید بدهی با ساختار سرمایه در شرکت‌ها پرداخت. وی دریافت که بین اجتناب مالیاتی، اجتناب مالیاتی از طریق نرخ مؤثر مالیات تعهدی و نقدی، و سررسید بدهی‌ها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر؛ واحدهای تجاری که سطح اجتناب مالیاتی بالایی دارند، بدهی‌های با سررسیدهای بلندمدت را تجربه می‌نمایند.

با توجه به بررسی های صورت گرفته در حوزه پیشینه پژوهش؛ محرز گردید هرچند پژوهش هایی نظیر "رابطه بین ساختار مالکیت و اهرم مالی شرکت"، "تأثیر ساختار مالکیت بر اهرم مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، "بررسی تاثیر ویژگی های هیئت مدیره و ساختار مالکیت بر اهرم مالی" و "رابطه بین ساختار سرمایه و ساختار مالکیت" در سطح کشور صورت گرفته؛ اما پژوهش حاضر به لحاظ تحلیل ارتباط میان ساختار مالکیت و اهرم مالی و همچنین تحلیل اثر تعدیل کنندگی اجتناب مالیاتی نقدی و تعهدی دارای جنبه نوآوری است.

### روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که طرح آن از نوع تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش، از رگرسیون خطی چند متغیره که مبتنی بر داده های پانل و ترکیبی از سری های مقطعی و زمانی بوده، استفاده شده است که با استفاده از روش های آماری و اقتصادسنجی به بررسی تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته می پردازد. برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده و اطلاعات و داده های مورد نیاز جهت اثبات فرضیه های پژوهش، از طریق مطالعه صورت های مالی شرکت های موجود در جامعه آماری گردآوری شده و از صورت های مالی مندرج در بانک های اطلاعاتی و سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است.

روش توصیف و تجزیه تحلیل اطلاعات نیز به شرح زیر می باشد.

انجام آمار توصیفی (جهت بررسی وضعیت عمومی و نمایش عمومی وضعیت متغیرها بر اساس شاخص های پراکنندگی).

آزمون جارک برا (بررسی نرمال بودن جملات خطای مدل آزمون فرضیه ها).

آزمون نبود هم خطی (بر اساس شاخص های تلورانس و عامل تورم واریانس).

آزمون نبود واریانس ناهمسانی (برای بررسی همسانی واریانس ها با استفاده از آزمون وایت).

آزمون چاو (برای بررسی انتخاب داده های تابلویی در برابر داده های تلفیقی).

آزمون هاسمن (برای بررسی انتخاب روش اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی).

انجام رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار Eviews.

بر اساس فرضیه‌های تدوین شده؛ می‌توان مدل تحلیلی پژوهش را به شرح زیر انعکاس داد:

$$H1: LEV_{it} = \beta_0 + \beta_1 OWN_{it} + \beta_2 \Sigma CONTROLS + \varepsilon_{it}$$

$$H2-3: LEV_{it} = \beta_0 + \beta_1 OWN_{it} + \beta_2 ETR + \beta_3 CETR + \beta_4 OWN * ETR$$

$$+ \beta_5 OWN * CETR + \beta_6 \Sigma CONTROLS + \varepsilon_{it}$$

در ادامه؛ شیوه سنجش عملیاتی متغیرهای پژوهش، به اختصار در جدول ۱ تبیین شده است.

جدول ۱. شیوه ارزیابی متغیرها

نام متغیر	علامت	نوع	نحوه سنجش متغیر
اهرم مالی	LEV	وابسته	کل بدهی‌ها کل دارایی‌ها
ساختار مالکیت	OWN	مستقل	تعداد افراد غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره
اجتناب مالیاتی نقدی	ETR	تعدیلگر	مالیات نقدی پرداخت شده سود (زیان) قبل از مالیات
اجتناب مالیاتی تعهدی	CETR	تعدیلگر	مالیات ابرازی سود (زیان) قبل از مالیات
بازده دارایی‌ها	ROA	کنترلی	سود (زیان) خالص کل دارایی‌ها
اندازه شرکت	SIZE	کنترلی	لگاریتم طبیعی مانده ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال.
گزارش زیان	LOSS	کنترلی	اگر شرکت در هر سال زیان خالص گزارش کرده باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر مبنای محاسبات خواهد بود.
دارایی‌های ثابت	FA	کنترلی	دارایی‌های ثابت کل دارایی‌ها

جهت پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های نمونه، از مدل ممیزی چندگانه (Z'-Score) آلتمن استفاده شده است. دلیل استفاده از مدل مذکور؛ استفاده از مدل طبقه‌بندی نیوتون در خصوص مراحل درماندگی شرکت‌ها در فرضیه‌های پژوهش می‌باشد. به عبارت دیگر؛ هیچ‌یک از مدل‌های دیگر، نتوانسته‌اند همانند مدل مذکور، احتمال درماندگی مالی شرکت‌ها را به سه ناحیه درماندگی بسیار کم، ناحیه درماندگی مالی و ناحیه درماندگی مالی بسیار بالا طبقه‌بندی نمایند مدل (Z'-Score) آلتمن به شرح زیر تبیین می‌گردد:

$$Z' = 0.717_{x1} + 0.847_{x2} + 3.107_{x3} + 0.998_{x5}$$

نام متغیر	علامت	نوع	نحوه سنجش متغیر
$X_1 =$	درآمد قبل از بهره و مالیات	$X_3 =$	سود انباشته کل دارایی‌ها
$X_2 =$	کل دارایی‌ها	$X_4 =$	سرمايه در گردش کل دارایی‌ها
$X_5 =$	کل فروش کل دارایی‌ها	$X_6 =$	ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ارزش دفتری بدهی‌ها

بر این اساس، چنانچه:  
 $Z\text{-Score} < 1.33$ : احتمال درماندگی، بسیار بالا،  
 $1.33 < Z\text{-Score} < 2.9$ : ناحیه درماندگی مالی و  
 $Z\text{-Score} > 2.9$ : احتمال درماندگی، بسیار کم می‌باشد (ژیانگ و همکاران، ۲۰۲۴).

منبع: بیلی و ملیندا (۲۰۲۲)

جامعه آماری در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۴۰۲ به مدت ده سال می‌باشد. برای حصول به نمونه آماری مطلوب از روش غربالگری استفاده شده و جامعه آماری با استفاده از محدودیت‌های زیر تعدیل شده است:

جدول ۲. شیوه انتخاب نمونه آماری

نمونه	شرح
۴۹۸	کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدا تا پایان سال ۱۴۰۲
(۸۰)	عدم منتهی شدن سال مالی منتهی به پایان اسفندماه هر سال.
(۷۸)	عدم عضویت ده‌ساله در بورس.
(۶۸)	عدم ارائه اطلاعات مالی کافی.
(۸۳)	تغییر سال مالی.
(۷۹)	فعالیت در حوزه‌های بانک و مؤسسات اعتباری، واسطه‌گری، بیمه و هلدینگ.
(۴۶)	شرکت‌هایی که در محدوده ورشکستگی مالی قرار داشتند.
۶۴	کل شرکت‌های موردبررسی، پس از انجام نمونه‌گیری به روش غربالگری:

## یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

مشاهدات	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میان	میانگین	نماد	متغیر
۶۴۰	۰,۲۴۱	۰,۴۱۰	۰,۸۷۸	۰,۶۷۵	۰,۶۳۸	LEV	اهرم مالی
۶۴۰	۰,۹۷۶	۰,۱۲۶	۰,۵۹۹	۰,۵۴۹	۰,۲۰۶	OWN	ساختار مالکیت
۶۴۰	۰,۶۸۳	۰,۱۱۵	۰,۸۰۱	۰,۲۴۵	۰,۲۵۴	ETR	اجتناب مالیاتی نقدی
۶۴۰	۱,۱۱۳	۰,۱۲۶	۰,۳۹۹	۰,۳۵۳	۰,۲۰۲	CETR	اجتناب مالیاتی تعهدی
۶۴۰	۰,۷۴۵	-۰,۰۹۹	۱,۱۹۷	۰,۲۴۶	۰,۲۰۹	ROA	نرخ بازده دارایی‌ها
۶۴۰	۰,۲۵۱	۱۰,۰۷۸	۲۱,۲۴۳	۱۶,۰۲۵	۱۵,۷۲۸	SIZE	اندازه شرکت
۶۴۰	۰,۱۱۵	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۲۶۵	LOSS	گزارش زیان
۶۴۰	۰,۷۹۵	۰,۱۱۵	۰,۷۵۳	۰,۲۸۶	۰,۲۵۷	FA	دارایی‌های ثابت

آزمون نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش

بدین منظور، برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون جارک - برا در محیط نرم‌افزاری

ایویوز استفاده شده و نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش

نام متغیر	نماد	آماره جارک برا	احتمال آماره جارک برا
جملات خطای فرضیه اول	RESIDUAL	۲۴۱,۲۶۵	۰,۰۶۵
جملات خطای فرضیه دوم و سوم		۲۰۳,۲۵۴	۰,۰۸۱

با توجه به آنکه مقدار احتمال آماره جارک - برا، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، می‌توان

نتیجه گرفت جملات خطای فرضیه‌های پژوهش، دارای توزیع نرمال هستند.

### بررسی هم خطی میان متغیرهای پژوهش

نتایج بررسی هم خطی میان متغیرهای پژوهش در جدول ۵ نشان داده شده است. چنانچه تفرانس کوچک تر از ۰/۲ یا مقدار عامل تورم واریانس در بازه یک تا پنج قرار نگیرد، در آن صورت توان نتیجه گرفت هم خطی محتمل است.

جدول ۵. نتایج بررسی هم خطی میان متغیرهای پژوهش

آماره های هم خطی		متغیر	
عامل تورم واریانس (VIF)	تفرانس	نماد	نام متغیر
۲,۴۱۵	۰,۴۱۴	OWN	ساختار مالکیت
۲,۳۶۴	۰,۴۲۳	ETR	اجتناب مالیاتی نقدی
۲,۴۵۷	۰,۴۰۷	CETR	اجتناب مالیاتی تعهدی
۲,۲۱۲	۰,۴۵۲	ROA	نرخ بازده دارایی ها
۲,۲۵۷	۰,۴۴۳	SIZE	اندازه شرکت
۲,۱۲۳	۰,۴۷۱	LOSS	گزارش زیان
۲,۴۳۹	۰,۴۱۰	FA	دارایی های ثابت

با توجه به آنکه مقدار تفرانس در همه متغیرها، بیشتر از ۰/۲ بوده و مقدار عامل تورم واریانس کمتر از پنج قرار دارد، لذا می توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای مذکور، هم خطی وجود ندارد. آزمون واریانس ناهمسانی

در تحلیل رگرسیون های خطی چند متغیره، هنگامی این مشکل به وجود می آید که فرض کلاسیک تساوی واریانس جملات خطا، با واقعیت منطبق نباشد. وجود رابطه میان واریانس جملات خطا و یکی از متغیرهای مستقل، تنها یکی از عواملی است که فرض تساوی واریانس جملات خطا را نقض می نماید. در پژوهش حاضر، برای تشخیص واریانس ناهمسانی از آزمون وایت استفاده شده است و نتایج در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶. نتایج بررسی واریانس ناهمسانی

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
وایت	اول	۴,۱۹۷	(۴,۴۱۴)	۰,۰۷۲۸
	دوم و سوم	۴,۲۱۴	(۴,۳۱۸)	۰,۰۸۱۱

نتایج به دست آمده حاکی از آن است مقدار احتمال آزمون مذکور، بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، لذا حاکی از همسانی واریانس بوده و ملاحظه شد که مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

### آزمون F لیمر و هاسمن

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، به انتخاب الگوی رگرسیونی مناسب پرداخته شده است. در مرحله نخست، با استفاده از آزمون F لیمر، به انتخاب الگوی داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های تابلویی پرداخته شده است. نتیجه آزمون مذکور در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. انتخاب الگوی داده‌های تابلویی در مقابل داده‌های تلفیقی در فرضیه‌های پژوهش

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
F لیمر	اول	۴۴,۱۸	) (۱۲۲,۴۸۵	۰,۰۰۰۰
	دوم و سوم	۴,۲۸۳	) (۱۲۲,۴۸۵	۰,۰۰۰۰

بر طبق داده‌های جدول فوق، مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. لذا الگوی مناسب برای فرضیه‌های پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. به دلیل انتخاب مدل داده‌های تابلویی در برابر داده‌های تلفیقی، به منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی تصادفی، جهت انجام رگرسیون داده‌های ترکیبی، از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتیجه آزمون مذکور در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. انتخاب الگوی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
هاسمن	اول	۵۲,۰۰۳	۵	۰,۰۰۰۰
	دوم و سوم	۵۰,۳۴۵	۵	۰,۰۰۰۰

همان گونه که مشخص است، مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. لذا استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه های پژوهش تأیید می گردد.

## آزمون فرضیه اول

بررسی فرضیه اول پژوهش در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. نتایج بررسی فرضیه اول پژوهش

احتمال آماره t		مقدار آماره t	ضرایب رگرسیونی	نماد	آماره ها متغیرها
۰,۴۶۰۱		۰,۷۶۹	۵,۹۷۲	C	مقدار ثابت
۰,۰۱۲۱		-۲,۵۷۵	-۸,۲۰۷	OWN	ساختار مالکیت
۰,۰۰۰۰		۲۰,۱۵۳	۵,۵۶۰	ROA	نرخ بازده دارایی ها
۰,۰۰۰۰		۴,۳۶۰	۱۰,۸۷۲	SIZE	اندازه شرکت
۰,۷۲۳۵		۰,۳۸۰	۱۰,۰۸۸	LOSS	گزارش زیان
۰,۱۸۶۹		۱,۳۵۹	۹,۲۶۰	FA	دارایی های ثابت
احتمال آماره F	آماره F	دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	
۰,۰۰۰۰	۲۰,۴۶۹	۲,۰۱۱	۰,۵۲۳	۰,۵۹۸	

بر اساس مندرجات جدول فوق درمی یابیم که میان ساختار مالکیت و اهرم مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (-۸,۲۰۷)، منفی و ثانیاً مقدار احتمال آماره t آن (۰,۰۱۲۱)، کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۵۲٪ تغییرات متغیر وابسته، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش بینی شده بود، قابل توضیح است. برای بررسی خودهمبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن (۲,۰۱۱) در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای تأثیرگذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می گردد. به منظور بررسی معنادار

بودن مدل، از آزمون F استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، معنادار بودن رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون به صورت خطی، قابل اعتماد است.

### آزمون فرضیه‌های دوم و سوم

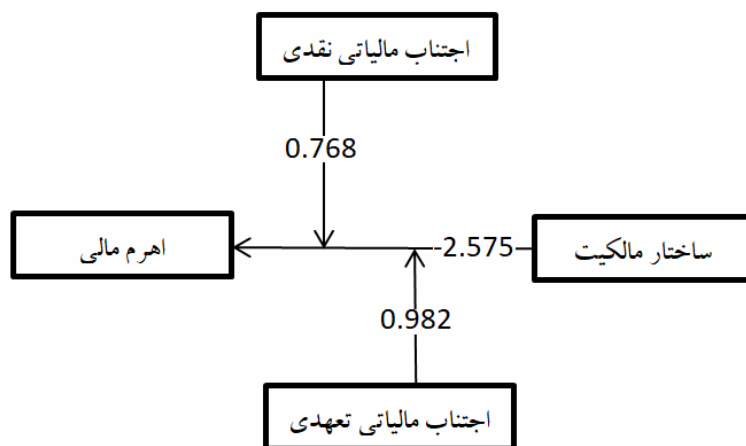
بررسی فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. نتایج بررسی فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش

آماره‌ها متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۶,۲۰۶	۰,۷۹۹	۰,۴۷۸۱
ساختار مالکیت	OWN	-۱,۰۷۵	-۳,۳۱۴	۰,۰۱۲۵
اجتناب مالیاتی نقدی	ETR	۲,۳۳۱	۰,۹۸۲	۰,۳۷۵۵
اجتناب مالیاتی تعهدی	CETR	۳,۳۲۲	۰,۷۶۸	۰,۴۹۷۱
تعامل ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی نقدی	OWNETR	۱,۱۹۴	۰,۳۶۷	۰,۷۷۲۴
تعامل ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی تعهدی	OWNCETR	۷,۷۷۳	۳,۱۹۷	۰,۰۰۹۸
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۱,۱۴۴	۱,۰۰۹	۰,۳۶۱۶
اندازه شرکت	SIZE	۱۰,۷۹۹	۰,۹۵۲	۰,۳۴۱۲
گزارش زیان	LOSS	۱,۸۷۶	۲,۶۰۷	۰,۰۰۹۴
دارایی‌های ثابت	FA	-۰,۰۰۹	-۱,۲۰۰	۰,۲۳۰۳
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F
۰,۷۰۱	۰,۶۷۰	۱,۹۹۹	۳۱,۹۴۱	۰,۰۰۰۰

بر اساس مندرجات جدول فوق درمی‌یابیم که اجتناب مالیاتی نقدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر معناداری ندارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (۱,۱۹۴)، مثبت و ثانیاً مقدار احتمال آماره t آن (۰,۷۷۲۴)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. اجتناب مالیاتی تعهدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر معناداری دارد. زیرا اولاً علامت ضریب رگرسیونی متغیر مربوطه (۷,۷۷۳)، مثبت و

ثانیاً مقدار احتمال آماره  $t$  آن (۰,۰۰۹۸)، کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می گردد. بر اساس ضریب تعیین تعیین شده مدل، حدود ۶۷٪ تغییرات متغیر وابسته، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش بینی شده بود، قابل توضیح است. برای بررسی خودهمبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن (۱,۹۹۹) در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای تأثیرگذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می گردد. به منظور بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون  $F$  استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد، معنادار بودن رگرسیونی برازش شده تأیید می گردد؛ به عبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون به صورت خطی، قابل اعتماد است. در نهایت؛ مدل شماتیک نهایی را با اعداد کلیدی تعریف می کنیم:



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

## نتیجه گیری و پیشنهادها

نظر به اهمیت این موضوع؛ پژوهش حاضر به بررسی اهرم مالی و ساختار مالکیت؛ آزمون نقش تعدیل کنندگی اجتناب مالیاتی (نقدی و تعهدی) پرداخت. در راستای حصول به اهداف

پژوهش و پاسخی برای سؤالات طرح شده؛ تعداد ۱۱۰ شرکت به‌عنوان جامعه آماری انتخاب، داده‌های لازم استخراج و به آزمون فرضیه‌ها پرداختیم که نتایج نشان داد میان ساختار مالکیت و اهرم مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اجتناب مالیاتی نقدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر نداشته و اجتناب مالیاتی تعهدی بر رابطه ساختار مالکیت و اهرم مالی تأثیر دارد. درنهایت و بر اساس نتایج حاصله دریافتیم که این نتایج در انطباق با نتایج سعیدی گراغانی (۱۴۰۰)، ژین و همکاران (۲۰۲۲) و کمرالدین و همکاران (۲۰۲۴) و در تضاد با نتایج بارنت و همکاران (۲۰۲۰) و محمدی شاکری (۱۴۰۰) می‌باشد.

بر این اساس می‌توان بیان داشت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تضعیف و عدم اثربخشی سیاست‌های مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است. این مسئله به‌تنهایی به کارایی اجرایی سیاست‌های مالیاتی صدمه وارد می‌کند. به‌منظور تضمین اثربخشی دستگاه مالیاتی در قدم اول باید قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری به‌طور جامع تعریف و تضمین شود. برای رویه‌ها و قوانین جدید باید مجوزهای جدید اخذ شود تا در مجمع‌القوانین کشوری و آیین‌نامه‌های مالیاتی ثبت شود. تغییرات قوانین مالیاتی به شدت به استانداردهای نوین حسابداری وابسته است. به‌عبارت‌دیگر باید مقررات مربوط به مؤدیان در نگهداری دفاتر و فاکتورها و چگونگی ارائه آن‌ها به سازمان مالیاتی، به‌صورت شفاف تبیین شود. درنهایت برای پیاده کردن اصلاحات باید حمایت حاکمیت و آحاد مردم جلب شود. اجتناب از مالیات، از خلأهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در اینجا فرد به‌منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می‌دهد که از نرخ پایین‌تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چراکه او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیرواقعی، یادداشت و ثبت می‌کند. درواقع، عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازیابی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعلیتی به‌ظاهر قانونی است، ازاین‌رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است. به‌عبارت‌دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوءاستفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. این مقوله به بررسی و یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط می‌شود که مؤدیان به آن

وسیله خود را به نحوی از افراد مشمول مالیات کنار می‌زنند. بنابراین اجتناب مالیاتی، قانونی و برای کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است، اما تقلب یا فرار مالیاتی، غیرقانونی و مبادرت عمدی به اعمال خلاف قانون مانند گزارش غیرواقعی در آمد و فروش، کسورات و تنظیم اظهارنامه‌ها است. نظام مالیاتی در شرایط آرمانی، باید قابلیت مقابله با هر دو نوع فرار مالیاتی را داشته باشد. از طرفی؛ در دنیای واقعی که بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی در آن فعالیت می‌کنند، بهینه‌سازی منابع مالی و توجه به سررسید بدهی‌ها از مهم‌ترین مسائل آن‌هاست. بهینه‌سازی منابع مالی باعث حداکثر کردن بازدهی می‌شود. شرکت‌ها برای تأمین مالی تنها از یک منبع (سرمایه یا بدهی) استفاده نمی‌کنند؛ بلکه ترکیبی از آن‌ها را بکار می‌برند. نکته مهم این است که شرکت‌ها در جهت دستیابی به اهداف اصلی خود، باید کدام یک از منابع مالی را انتخاب کرده و چه میزان از آن منبع را در ترکیب سرمایه خود استفاده کنند. قطعاً شناسایی راه‌های مختلف تأمین مالی و بهره‌گیری از ابزارهای مناسب مالی، مدیریت را در اتخاذ تصمیمات صحیح‌تر و کسب منافع بیشتر برای شرکت‌ها یاری خواهد نمود و استفاده بهینه از منابع مالی به مدیران این فرصت را خواهد داد تا ارزش کلی شرکت و ثروت صاحبان سرمایه را افزایش دهند. مطالعه حاضر؛ استدلالی را مطرح و به‌صورت تجربی آزمایش می‌کند که بر مبنای آن اعتباردهندگان احتمالاً بدهی‌های با سررسید کوتاه‌تر را به شرکت‌های مالیات‌گریز می‌دهند تا بتوانند مرتباً ریسک مرتبط با مالیات را در قرارداد بدهی ارزشیابی مجدد نمایند. ما با استفاده از نرخ‌های مالیات مؤثر و مزایای مالیاتی نامطمئن به‌عنوان شاخصی برای مالیات‌گریزی درمی‌یابیم که شرکت‌های مالیات‌گریز نسبت بالاتری از بدهی کوتاه‌مدت را در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند. یافته‌های تجربی همچنین نشان می‌دهند که شرکت‌های با موقعیت‌های مالیاتی ناپایدار و دارای وابسته‌هایی در کشورهای مساعد از نظر شرایط مالیاتی با احتمال بیشتری بدهی با سررسید کوتاه می‌پذیرند. بر این اساس:

- \* به مدیران شرکت‌های تجاری پیشنهاد می‌گردد که از طریق به‌کارگیری بیشتر اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره؛ زمینه‌های کاهش اهرم مالی را فراهم آورند.
- \* به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌های هدف سرمایه‌گذاری را بر اساس میزان به‌کارگیری اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره؛ رتبه‌بندی نموده و انجام فعالیت‌های

سرمایه‌گذاری را در واحدهایی انجام دهند که در سطح بالایی از نظر به‌کارگیری بیشتر اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره باشند؛ زیرا در این گونه واحدها اهرم مالی در سطح نازلی است. \* به مراجع استاندارد گذاری سازمان بورس پیشنهاد می‌گردد که دستورالعمل‌ها و الزامات لازم در جهت سنجش صحیح اهرم مالی را فراهم آورند.

در جهت روشن شدن ابعاد مختلف اهمیت پژوهش حاضر؛ می‌توان موضوعات زیر را به محققین آتی پیشنهاد داد.

تحلیل نقش افشای اطلاعات بر ارتباط میان اهرم مالی و ساختار مالکیت با تمرکز بر نقش تعدیل‌کنندگی اجتناب مالیاتی.

تحلیل نقش ماهیت حقوق صاحبان سهام بر ارتباط میان اهرم مالی و ساختار مالکیت با تمرکز بر نقش تعدیل‌کنندگی اجتناب مالیاتی.

تحلیل نقش مسئولیت‌های اجتماعی بر ارتباط میان اهرم مالی و ساختار مالکیت با تمرکز بر نقش تعدیل‌کنندگی اجتناب مالیاتی.

## فهرست منابع

- A, Abbas, Zolghi, Hassan, Azimian Moez, Amir Hossein.(2010).The effect of estimated operating leverage and contractual operating leverage on audit fees: with emphasis on the moderating role of institutional ownership. *Strategic Research on Budget and Finance*, 2(1), 113-140 [in Persian].
- B, Hamed, Morteza Nia, Hamid, Salgi, Mohammad, Ahmadi, Mehdi.(2011).Presenting a credit rating model for listed companies in the capital market using the structural equation model. *Strategic Research on Budget and Finance*, 6(1), 77-104. doi: 10.47176/fbarj.2025.1432 [in Persian].
- B, Melinda Lydia Nelwan.(2022).Level of Firm Ownership and Tax Planning Practices: Evidence from Indonesia. *Open Journal of Accounting*, 2022, 11, 126-148
- B, Saeed Rabea, Mahfoudh Hussein Mgamal and Muneer Rajab Aomrah.(2025). Does audit committee chair expertise combat tax avoidance in emerging markets? Direct and indirect investigation. *International Journal of Accounting & Information Management*, vol. ahead-of-print no. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/RAF-04-2021-0096>.
- B, W. A., Javadi, F., and Ftiti, Z. (2020). Causal relationships between inflation and inflation uncertainty. *Studies in Nonlinear Dynamics & Econometrics*, 24(5), 38-56 .
- Ç, Emil. S. (2020). Gelişmekte Olan Ülkelerde Enflasyon ve Enflasyon Oynaklığı Arasındaki İlişki Üzerine İnceleme. *Uluslararası Ekonomi, İşletme ve Politika Dergisi*, 4(2), 461-476.
- D, Afsaneh, Mohqer, Ali.(2010).Investigating the effect of management characteristics on the risk of stock price decline; with emphasis on data mining methods. *Strategic Budget and Finance Research*, 1(1), 93-128 [in Persian].
- E, Pung. B., & Ndoricipa A.(2019).Inflation, Output Growth and their Uncertainties: A Multivariate GARCH-M Modeling Evidence for Nigeria. *African Governance and Development Institute*, 6, 1-15 .
- G, Eülşen., & Kara, H.(2019).Measuring Inflation Uncertainty in Turkey. *Central Bank Review*
- G, Mohammad Kazem.(2021).Investigating the moderating role of institutional ownership of the company on the relationship between real earnings management and tax avoidance. Master's degree in domestic securities, Yazd University, Azadi Campus [in Persian].
- G, Thi Huong, Vuong, Phuc Van, Nguyen.(2024). Stock return volatility and financial distress:Moderating roles of ownership structure, managerialability, and financial constraints. *International Review of Economics & Finance*, Volume 91, Pages 634-652
- I, Hamidreza.(2022).Investigating the effect of tax avoidance and the speed of capital structure reform on the volatility of returns due to information distribution. Master's degree in domestic securities, Lorestan University [in Persian].
- K, Khairul Anuar, Wan Adibah Wan Ismail, Iman Harymawan and Akmalia Mohamad Ariff.(2024). Audit firm tenure and corporate tax avoidance: evidence spanning COVID-19 pandemic. *Journal of Financial Crime*, vol. 32 no. 1. <https://doi.org/10.1108/JFC-12-2023-0329>.
- L, Nadia, Bochra Swayah, Mhamed Ben Slimane and Mouna Hamza.(2022). Tax avoidance and cost of debt: evidence from French listed firms. *Journal of Applied Accounting Research*, vol. ahead-of-print no. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JAAR-02-2024-0080>.

- M, Mehdi.(2021).Investigating the effect of board expertise and tax avoidance on the debt ratio of companies. Domestic Parsa Master's Degree, Shahid Ashrafi Isfahani University, Faculty of Administrative Sciences and Economics [in Persian].
- M, Salaheddin.(2020).Investigating the relationship between capital asset pricing and tax avoidance with regard to the moderating role of earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master's degree proposal, Urmia University, Campus [in Persian].
- P, Saeed, Azarbrahman, Alireza, Samakar, Vahid, Roohparoor, Sanaz.(2022).Investigating the relationship between tax avoidance and the probability of financial distress of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Scientific-Specialized Journal of Accounting and New Technologies, 3(4), 61-106 [in Persian].
- S, Ashkan.(2021).The effect of tax avoidance on the capital structure of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master's degree in domestic securities, Kerman Institute of Higher Education, Department of Accounting and Management [in Persian].

